

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هشتم، تابستان ۱۴۰۲: ۶۹-۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

مقایسه سرمایه اجتماعی زنان در مناطق شهری و حاشیه‌ای ساری

جواد فعلی*

علی گرجی کرسامی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی حاشیه‌نشینی و سرمایه اجتماعی مقایسه زنان در مناطق حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر ساری انجام پذیرفت. برای بررسی این هدف، ترکیبی از نظریه‌های پاتنام، فوکویاما، اوفه و فوش به کار رفته است. این تحقیق از حیث روش، توصیفی (پیمایشی) از نوع زمینه‌یابی و کاربردی بوده است. جامعه آماری را ۱۴۳۷۶۴ نفر از زنان ساوری بالای ۱۵ سال تشکیل داده‌اند. بر اساس جدول نمونه‌گیری استاندارد مورگان، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای دسترسی به نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری داده مورد نظر، پرسشنامه سرمایه اجتماعی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی) در بین زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که زنان مناطق حاشیه‌نشین، سرمایه اجتماعی (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی) کمتری نسبت به زنان مناطق غیر حاشیه‌نشین دارند. برای تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین پیشنهاد می‌شود از سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل حمایت شود و امکانات فرهنگی و تفریحی این مناطق تقویت شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی.

Javad_feli@pnu.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

drali.gorjik@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران



مقدمه

سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای از روابط، تعاملات و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر این روابط می‌دانند که می‌تواند با ایجاد روح اعتماد، همگرایی و تعامل صحیح، بستر لازم را برای تحقق اهداف جامعه به وجود آورد. برای دستیابی به اهداف جمعی، تکیه و تأکید بر سرمایه اجتماعی یعنی برقراری اعتماد، ایجاد روحیه همکاری و تعامل صحیح، مقدم بر امور دیگر و ضروری است اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر، قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند. روابط و تعاملات اجتماعی بین افراد تحت تأثیر عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارد و تحولات اجتماعی بر این نوع روابط تأثیرگذار است.

یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد است. هر چقدر اعتماد بین افراد، گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی و سیاسی نسبت به هم در سطح محیط داخل، بالاتر و بیشتر باشد و افراد و گروه‌ها بتوانند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های نظام اجتماعی دخیل باشند و روابط بین افراد و نظام‌ها و خرده‌نظام‌ها با نظام کلان، عادلانه و عاقلانه باشد، میزان سرمایه اجتماعی بالاتر می‌رود (فعلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۱).

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین تحولات اجتماعی جهان در نیم قرن اخیر، توسعه شهرنشینی است. فرآیند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به طور کلی و در ایران به طور خاص به دلایل خاص خود در فرآیند شتابان، به کلان‌شهری و قطبی شدن منجر شده است. رشد شتابان شهرنشینی و ظهور کلان‌شهرها، عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب‌های شهری متعدد همراه است. ناهنجاری‌های کالبدی، تأسیساتی، آسیب‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، نارسایی خدماتی و رشد حاشیه‌نشینی از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان به شمار می‌روند. نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی و کاهش انسجام سنتی اجتماعی، از پیامدهای رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت روزافزون به سوی حوزه‌های شهری هستند. برخی از عواقب رشد شهرنشینی در ایران عبارتند از: الف) بالا رفتن سطح مصرف، ب) بیکاری، بیکاری پنهان و مشاغل کاذب، ج) رشد و توسعه آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری، د) افزایش انحرافات و جرایم در محیط‌های مهاجرپذیر. این مسئله به‌ویژه در بین کسانی که در

نقاطی به طور موقت و ناشناخته زندگی می‌کنند، افزایش چشمگیر پیدا می‌کند. توسعه حاشیه‌نشینی، توسعه سریع و برنامه‌ریزی نشده شهرنشینی موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم و تراکم بیش از حد نفرات در واحد مسکونی و بالا رفتن برخورد و تنش‌های اجتماعی می‌شود (توسلی، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۱).

گرد آمدن مهاجران با فرهنگ‌های گوناگون در محیط‌های زندگی نامناسب همراه با بیکاری و فقر، منجر به ایجاد محله‌های بزهکارپرور و مشکلات گوناگون روانی می‌شود. مطالعات جرم‌شناسانه و روان‌شناسی اجتماعی همواره مهم‌ترین موضوعات خود را در شهرهای بزرگ، متراکم و میان مهاجران یافته‌اند. در کشورهای توسعه‌نیافته، شهرنشینی همراه با رشد خدمات مستقل از توسعه صنعت گسترش می‌یابد و به کاهش تولیدات و بیکاری‌های پنهان و آشکار و توسعه جرایم شهری منجر می‌شود. همچنین مهاجران به علت از دست دادن روابط و تعاملات اجتماعی و خویشاوندی خود که در محیط روستا وجود داشت، از حمایت‌های عاطفی و همکاری بی بهره می‌گردند (همان: ۴۱-۴۲).

در حال حاضر حاشیه‌نشینی نه‌تنها در کلان‌شهرها، بلکه در شهرهای کوچک‌تر هم رشد بالایی دارد. با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان به حاشیه‌نشینی و پیامدهای ناشی از آن به دید یک آسیب و مشکل اجتماعی نگریست و نباید از نظر دور داشت که علاوه بر جنبه‌های منفی حاشیه‌نشینی در ساختار اجتماعی و ساخت فضایی شهرها، این محیط برای خود حاشیه‌نشینان نیز دارای پیامدهای منفی است. از جمله موارد اشاره‌شده وجود جرم و بزهکاری در این مناطق، محیط نامناسب از جهت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای کودکان و نوجوانان، نوعی ناامنی و عدم تأمین امکانات رفاهی، فرهنگی و امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان، محیطی نامناسب از جهت زندگی برای این افراد به وجود می‌آورد. از آنجایی که حاشیه‌نشینان، افرادی هستند که از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند و قادر به جذب در نظام اقتصادی شهر نیستند، در واقع نه روستایی و نه شهری به حساب می‌آیند و از جهت خصوصیات و ویژگی‌ها متفاوت با شهرنشینان و حتی فقیران شهری می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). قرار گرفتن در حاشیه شهرها حتی درک و نگاه به فرهنگ کار و سازگاری شغلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودکانی که دارای وضعیت اقتصادی متناسب‌تری هستند، نسبت به همسالان خود دارای اراده کاری بیشتری هستند (Perez & Duffy, 2023: 380).

از طرف دیگر باید در نظر داشت که سرمایه اجتماعی با اعتماد سروکار دارد. در واقع اعتماد برای منجر شدن یک رابطه به تعامل و برای فرد که می‌خواهد روابط موفق با شبکه افراد ایجاد کند، امری ضروری و حیاتی است. به باور جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از روابط و مناسبات بین افراد و گروه‌هاست که نتایج و دستاوردهایی را در پی خواهد داشت و بدون وجود این روابط، کسب آنها غیر ممکن است (ر.ک: احسانی‌فر و دیگران، ۱۳۹۸). [سرمایه اجتماعی] در مردها و زنها اثرات متفاوتی دارد. مردان نسبت به زنان، گرایش بیشتری به داشتن سطوح سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. همچنین سرمایه اجتماعی بالا در مردها شادی بیشتر و در زنها، پیوندهای بیشتری به همراه دارد (Laishram & Haokip, 2023: 303).

سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است. سرمایه اجتماعی و توسعه، یک پیوند دوسویه دارند؛ از یک طرف سرمایه اجتماعی به بهبود محیط اجتماعی و فیزیکی کمک می‌کند و از طرف دیگر، توسعه اجتماعی می‌تواند منجر به بهبود سرمایه اجتماعی شود (Jun, 2023: 518). اثر سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلف مشهود است و می‌تواند در حوزه‌های فردی و اجتماعی، اثر آن را دید. سرمایه اجتماعی باعث انعطاف‌پذیری بالا در بلایای طبیعی می‌شود و نبود آن به حاشیه رانده شدن افراد را به همراه دارد (Uekusa, 2020: 25). جوامعی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند، توانایی بیشتری در مدیریت ریسک بلایا دارند. سرمایه اجتماعی پایین، مانع از شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و به دست آوردن اطلاعات درست می‌شود (Ahmad shah et al, 2024: 131).

انجام این تحقیق کمک می‌کند تا آگاهی عمومی درباره حاشیه‌نشینان بیشتر شود و به سیاست‌گذاران در فرایندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند که این امر در نهایت به پایدارسازی جوامع کمک می‌کند و باعث افزایش کیفیت زندگی افراد حاشیه‌نشین به‌ویژه زنان این مناطق می‌شود و به ما راهکارهایی برای تقویت و بهبود سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند. شناخت مؤلفه‌های مؤثر سرمایه اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های علمی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌تواند همبستگی اجتماعی و توسعه شبکه‌های حمایتی و همکاری و تقویت اعتماد اجتماعی میان آنها و دیگر افراد جامعه را فراهم آورد.

اغلب جامعه‌شناسان عنوان کرده‌اند که سرمایه اجتماعی می‌تواند اطمینان و کاهش انحرافات و مسائل اجتماعی و توسعه همه‌جانبه را برای یک منطقه به ارمغان آورد. شهر ساری نیز همانند دیگر شهرهای ایران، در دو سه دهه اخیر، تعدادی از مناطق حاشیه‌ای را به خود دیده است. در این شهر، مناطقی وجود دارد که با وجود قرار گرفتن در محدوده اقتصادی شهر، هنوز جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. به واسطه وجود انبوهی از مسائل و مشکلات و ویژگی‌های خاص این مناطق، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد، مشارکت و ... در سطح بسیار پایینی بوده و در نتیجه از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. این سطح پایین‌تر سرمایه اجتماعی، توسعه این مناطق را کند و گاه غیر ممکن ساخته است (ر.ک: Danesh et al, 2016). این شهر به علت مهاجرپذیری بالایی که دارد و از طرف دیگر، گرانی زمین و مسکن، جزء شهرهای با مشکلات فراوان حاشیه‌نشینی است. بخش زیادی از جمعیت سرریز شده از شهرهای مختلف در اطراف این شهر، حاشیه‌نشین می‌شوند. به علت سرعت حاشیه‌نشینی بالای این شهر، امکان جذب آنها در فرهنگ شهری نیست. زنانی که حاشیه‌نشین این شهر می‌شوند، مشکلات مضاعفی پیدا می‌کنند؛ چون به علت اعتماد پایین و ناآشنایی با محیط و دوری از زادگاه و اقوام خود، کمتر می‌توانند در فرهنگ شهر مشارکت مؤثر داشته باشند و عملاً آسیب‌پذیرتر می‌شوند. بررسی مقایسه‌ای تاحدودی می‌تواند تفاوت وضعیت سرمایه اجتماعی زنان در این قشر با اقشار غیر حاشیه‌نشین در شهر ساری را نشان دهد. بنابراین در این مقاله سعی شده است که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بین زنان مناطق حاشیه‌ای و غیر حاشیه‌ای شهر ساری سنجیده و مقایسه شود تا از این طریق بتوان به توسعه مناطق حاشیه‌ای و کاهش معضلات آن اقدام اساسی نمود.

حال با عنایت به آنچه بیان شد، مسئله اصلی تحقیق این است که آیا بین میزان سرمایه اجتماعی در بین زنان مناطق حاشیه‌نشین (کوی شهید چمران، محله غفاری و آزادی) و غیر حاشیه‌نشین (خیابان فرهنگ، جوادیه و بعثت) شهر ساری، تفاوت معناداری وجود دارد؟ همچنین آیا بین میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت معناداری وجود دارد؟

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بین سرمایه اجتماعی در بین زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی

۱. بین مشارکت اجتماعی در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت وجود دارد.

۲. بین اعتماد اجتماعی در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت وجود دارد.

۳. بین انسجام اجتماعی در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت وجود دارد.

۴. بین روابط اجتماعی در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

امیر کافی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در محلات محروم (مطالعه موردی: شهر کرمان)» نشان داده است که به طور معناداری میزان سرمایه اجتماعی ساختاری ساکنان محله‌های محروم از مناطق غیر محروم، کمتر است. همچنین وی دریافت که پیوند و همبستگی ساکنان محله‌های محروم با افرادی که دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری هستند، در مقایسه با ساکنان مناطق غیر محروم، ضعیف‌تر است. میزان اعتماد عمومی و سازمانی (سرمایه اجتماعی پل‌زننده) ساکنان محله‌های محروم در مقایسه با نمونه ملی که همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی را در برمی‌گیرد، به شکل معناداری کمتر است. همچنین اعتماد ساکنان محله‌های محروم به اعضای خانواده و بستگان (سرمایه اجتماعی پیوندزننده)، بیشتر از میانگین جامعه بوده است.

امینی و همکاران (۱۳۹۹) در «بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی» دریافتند که رابطه مثبتی میان توانمندسازی و سرمایه اجتماعی

وجود دارد. توانمند کردن مناطق حاشیه‌نشین در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند آثار بسیار مؤثری بر افراد ساکن در این محله‌ها با خود به همراه داشته باشد و موجب بالا رفتن سرمایه اجتماعی در ابعاد شناختی (اعتماد اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها) و ساختاری (مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی) آنها شود. به طور کلی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی و توانمندسازی در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارند.

پژوهش تاج‌بخش (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام» نشان داد که شاخص مشارکت اجتماعی، بیشترین میانگین میزان سرمایه اجتماعی و شاخص روابط اجتماعی، کمترین میزان آن بوده است. از نظر میانگین سرمایه اجتماعی هم تفاوت معناداری بین حاشیه‌نشینان برحسب جنسیت، یعنی زنان و مردان وجود ندارد. همچنین افراد شاغل و بیکار از میزان سرمایه اجتماعی یکسانی برخوردارند. افراد مجرد نسبت به افراد متأهل، سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. همچنین تفاوت معناداری بین سرمایه اجتماعی حاشیه‌نشینان شهر ایلام برحسب تحصیلات و نیز برحسب نوع منزل مسکونی و قومیت وجود دارد.

محمودی و نیک‌خواه (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر شیراز» انجام دادند. آنها بر اساس نظریه‌های فوکویاما، اوفه و فوش و همچنین دیدگاه اجتماع‌گرایی به بررسی تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین، متفاوت بوده و در مناطق غیر حاشیه‌نشین، بیشتر بوده است.

نقدی و زارع (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز)» نشان دادند که رشد قارچ‌گونه حاشیه‌ها علاوه بر برهم زدن فضای کالبدی شهرها و انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی که با خود به وجود می‌آورد، هرگونه مدیریت شهری را با مسائل و مشکلات و بحران‌های زیادی روبه‌رو می‌سازد. یکی از دلایل بروز این مسائل، کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی در اینگونه محلات است؛ زیرا سرمایه اجتماعی از طریق اجزای خود همچون اعتماد مشارکت شبکه‌های اجتماعی و... می‌تواند باعث

کاهش اینگونه مسائل و مشکلات در محلات شهری گردد. بنابراین از آنجا که فرسایش سرمایه اجتماعی در این مناطق محروم می‌تواند باعث انواع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از جمله اعتیاد، فروش و مصرف مواد مخدر، فساد و فحشا، فقر، بیکاری، دعاو و درگیری و... گردد و همچنین باعث ناموفق بودن برنامه‌های عمرانی دولت برای بهبود وضعیت کالبدی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاشیه‌ها گردد. از این رو تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند دولت را در جهت عمل کردن به برنامه‌هایش یاری رساند.

نتایج پژوهش باقری (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وقوع جرم در بین افراد حاشیه‌نشین شهر تبریز» بیانگر آن است که میزان وقوع جرم در بین مردان، بالاتر از زنان است. پاسخگویان مستأجر، میزان جرم بالاتری نسبت به دو گروه دیگر داشتند. میزان وقوع جرم و مشارکت اجتماعی بر اساس شغل پاسخگویان معنی‌دار نبود. ولی با متغیر نگرش دینی دارای همبستگی معکوس و با متغیر سطح فقر فرهنگی - اجتماعی دارای همبستگی مستقیم بود. برنامه‌ریزی و اختصاص بودجه به نقاط حاشیه‌ای شهر و همچنین به کار گرفتن ساکنان و افراد درگیر در حاشیه‌نشینی و مشارکت فعال آنها در این زمینه می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در بهبود یا کاهش وضعیت حاشیه‌نشینی باشد. در تمامی تحقیقات مورد بررسی، کمتر تحقیقی درباره مقایسه سرمایه اجتماعی حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان زنان ساری صورت گرفته است. تعداد زیادی از تحقیقات صورت گرفته تاکنون به پیامدهای کاهش سرمایه پرداخته‌اند و یا حداکثر در پی سنجش سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای بوده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که پژوهش حاضر از نظر جامعه آماری (زنان ساری) و بررسی سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مناطق حاشیه و غیر حاشیه جدید است.

چارچوب نظری

سرمایه، ثروتی است مولد یا منبعی است که شخصی برای ایجاد درآمد به کار می‌برد. بوردیو، برداشتی وسیع‌تر از سرمایه ارائه می‌دهد، به طوری که وی تصریح می‌کند که سرمایه، هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان دهد تا سود خاصی را از طریق مشارکت و رقابت بر سر آن به دست آورد. بنابراین می‌توان گفت که دریافت

بورديو از سرمایه، وسيع تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است. سرمایه، یک منبع عام است که می تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیر ملموس به خود گیرد. سرمایه فرهنگی، سرمایه انسانی، سرمایه دینی، سرمایه اجتماعی و انواع مختلف، سرمایه به شمار می روند. واژه و روح سرمایه اجتماعی، سابقه ذهنی و طولانی در علوم اجتماعی دارد، ولی سابقه این اصطلاح به معنایی که امروزه به کار می رود، به بیش از ۹۰ سال پیش (۱۹۱۶) و نوشته های لیداجی هانیفان سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا برمی گردد. او در توصیف سرمایه اجتماعی می گوید: «چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد: حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده ها که سازنده واحد اجتماعی اند» (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۴).

کلمن، سرمایه اجتماعی را فرآیندهایی اجتماعی می داند که با تسهیل کنش اعضای خود، منافعی را ارتقا می دهد. بورديو، موقعیت ها و روابطی که درون گروه ها و شبکه های اجتماعی، دسترسی به فرصت ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می دهد، سرمایه اجتماعی می داند. پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از ارتباطات افقی بین افراد و نیز جوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، منافع متقابل و کارایی جامعه را افزایش می دهد (رک: ملاحسنی، ۱۳۸۱). فوکویاما، مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی اعضای گروهی را که تعاون و همکاری میانشان مجاز است و در آن سهام و ذی نفع هستند، سرمایه اجتماعی می داند. تاج بخش، سرمایه اجتماعی را به صورت آگاهی شهروندان نسبت به مسائل عمومی که در چهارچوب اعتماد و هنجارهای عمل متقابل و به واسطه تشکل های داوطلبانه و به صورت افقی سازمان یافته اند و خارج از حوزه دولت و اقتصاد قرار دارند و کنش های جمعی عام المنفعه ای را موجب می شوند، تعریف می کند (تاج بخش، ۱۳۸۴: ۴۵).

قدوسی، انسجام درونی اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش های حاکم بر کنش متقابل مردم و نهادهایی را که این هنجارها و ارزش ها در آن جایگزین می شوند، سرمایه اجتماعی دانسته است (قدوسی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). تولایی و شریفیان ثانی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها، ارزش ها و درکی می دانند که

همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل و رسیدن به اهداف مشترک به طرز کارآمدتر، تسهیل می‌کند و این سرمایه را اغلب با تنوع مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند.

رابطه حاشیه‌نشینی و سرمایه اجتماعی

از دید پاتنام، یکی از عواملی که سبب کاهش سرمایه اجتماعی می‌گردد، حومه‌نشینی است. «حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهری به عنوان عاملی مؤثر که حدوداً ۱۰ درصد در کاهش سرمایه اجتماعی نقش دارد، مطرح می‌باشد. پاتنام، تأثیر حاشیه‌نشینی و پراکندگی جمعیت را در کاهش مشارکت مدنی در سه یا چهار دهه اخیر ذکر می‌کند. پراکندگی و حومه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌گردد و ناهمگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه برای مشارکت مدنی می‌گردد و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط طبقاتی و نژادی محدود می‌گردد» (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۵۹).

پاتنام، اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای غلبه بر مشکلات اقدامات جمعی به کار می‌برد و سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه، هنجار و اعتماد می‌داند که هماهنگی برای سود متقابل را تسهیل می‌کند. وی این مفهوم را بیشتر در فهم تقویت بنیادگذاری نهادهای دموکراتیک در سطوح منطقه‌ای و ملی به کار می‌برد و معتقد است که افزایش در سرمایه اجتماعی موجب بالاتر رفتن مشارکت سیاسی می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). او سه جنبه اساسی را در سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد:

۱. اعتماد: اعتماد از نظر او باعث تسهیل دیگری می‌شود و دیگری نیز اعتماد ایجاد می‌کند.

۲. هنجارهای معامله متقابل: هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن و از طریق مجازات‌ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شود. از دید او، یکی از مهم‌ترین هنجارها، معامله متقابل است که بر دو نوع است: متوازن (ویژه) و عمومی (شایع).

۳. شبکه‌های مشارکت مدنی: از دید او، شبکه‌ها به دو گونه افقی و عمودی تقسیم می‌شوند. شبکه‌های افقی در جوامع مدنی بیشتر یافت می‌شود. از نظر او، شبکه‌های مشارکت مدنی، کنش‌های افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند و هرچه در جامعه‌ای

متراکم‌تر باشد، افراد در جهت منافع متقابل یکدیگر بیشتر تلاش خواهند کرد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۳).

پاتنام معتقد است که حاشیه‌نشینی و پراکندگی شهر در کاهش سرمایه اجتماعی، نقش اساسی دارند. او سه دلیل را برای آن ذکر می‌کند:

۱. حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی میزان زیادی از وقت افراد را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین فرصت کمتری را برای ملاقات با دوستان و همسایگان و نشست‌های عمومی پیدا می‌کند.

۲. پراکندگی، حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی باعث افزایش تفکیک اجتماعی می‌شود و همگونی اجتماعی باعث کاهش انگیزه مشارکت مدنی می‌شود و شبکه‌های اجتماعی در بین خطوط نژادی و طبقاتی محدود می‌گردد. بنابراین پراکندگی و حاشیه‌نشینی به عنوان مکانیسمی علیه سرمایه اجتماعی بین‌گروهی عمل می‌کند.

۳. پراکندگی و حاشیه‌نشینی باعث از بین بردن بستگی درونی اجتماع (به واسطه فاصله محل زندگی از محل کار) می‌شود (Putnam, 2000: 283).

روس^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، نظریه تقویت ساختاری بی‌اعتمادی را ارائه می‌کنند. آنها معتقدند که تمرکز افراد محروم در یک محله مسکونی ممکن است شرایطی فراهم آورد که سبب بی‌اعتمادی شود. طبق این تئوری، در میان افرادی که منابع اندکی در اختیار دارند و در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که منابع کمیاب است و تهدید معمول و فراگیر است و همچنین در میان کسانی که برای اجتناب از تهدید یا مدیریت آن احساس بی‌قدرتی می‌کنند، بی‌اعتمادی توسعه و گسترش می‌یابد.

از سوی دیگر از آنجایی که محلات محروم، دسترسی‌شان به منابع، امکانات و خدمات از جمله مدارس خوب، پارک و فضای سبز، خدمات پزشکی مناسب و... اندک است، این امر ممکن است به ساکنان یادآوری کند که جامعه اصلی و نهادهای آن، آنها را به حال خود گذاشته است. اشخاصی که احساس می‌کنند در یک جزیره محرومیت رها شده‌اند، ممکن است به این باور برسند که امن‌ترین وضعیت برای آنها این است که به هم سوءظن داشته باشند و به هیچ کس اعتماد نکنند (امیرکافی، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

فوکویاما معتقد است که اغلب تعاریف ارائه‌شده بر نمودهای سرمایه اجتماعی و نه

خود آنها اشاره می‌کنند. او معتقد است که اعتماد، شبکه‌ها و جامعه مدنی و غیره که به سرمایه اجتماعی مربوطند، تماماً محصول جانبی این پدیده هستند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آیند، ولی سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. از نظر وی، سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج دیگری بین دو نفر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۶۹). او معتقد است که هرچند در گروه‌های سنتی، همبستگی بالا و در نتیجه سرمایه اجتماعی زیادی وجود دارد، به دلیل شعاع ناچیز اعتماد، این امر منجر به ناکارآمدی این سازمان‌ها می‌شود، همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای دیگری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و اغلب آثار خارجی منفی را برای افراد بیرونی تحمیل می‌کند (همان: ۱۷۳). فوکویاما به سرمایه اجتماعی از جنبه اقتصادی و همچنین کارکردهای آن در یک دموکراسی لیبرال مبتنی بر بازار آزاد تأکید می‌کند. از نظر او، مناطق حومه‌نشین و حاشیه‌نشین شهری نسبت به دیگر مناطق از لحاظ سرمایه اجتماعی، سطح پایین‌تری دارند. در این مناطق، میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد و او این افزایش جرائم و مسائل اجتماعی را نشانه فقدان یا فرسایش سرمایه اجتماعی در این مناطق می‌داند.

اوفه و فوش (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع و مناطق و بخش‌ها دانسته، آن را متغیر، کوچک و بزرگ و کم و زیاد می‌دانند. آنها این مفهوم را با سه عنصر توزیع می‌دهند:

۱. آگاهی و توجه: شامل مجموعه افکار و عقاید و حساسیت نسبت به زندگی اجتماعی سیاسی و توجه به هر چیزی که در وسیع‌ترین معنا مربوط به امور عمومی باشد.
۲. اعتماد: که به صورت دوگانه قوی و ضعیف مطرح می‌شود. اعتماد ضعیف شامل نبود ترس و شکست نسبت به رفتار احتمالی دیگران است و اعتماد قوی زمانی مطرح است که فرد نه تنها به افراد خوش‌بین باشد، بلکه شرکت در یک فعالیت را بدون توجه به ضرر و زیان و فرصت از دست رفته، یک امر خردمندانه بداند.
۳. انجمن‌پذیری: دلالت بر مشارکت فعال شخص در شبکه‌های رسمی و غیر رسمی دارد (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

اوفه و فوش در گونه‌شناسی انجمن‌ها، سه نوع را تشخیص می‌دهند: ۱- انجمن‌های نخستین: که شامل انجمن‌هایی با ریشه‌های قومی و خانوادگی بوده و عضویت در آنها و

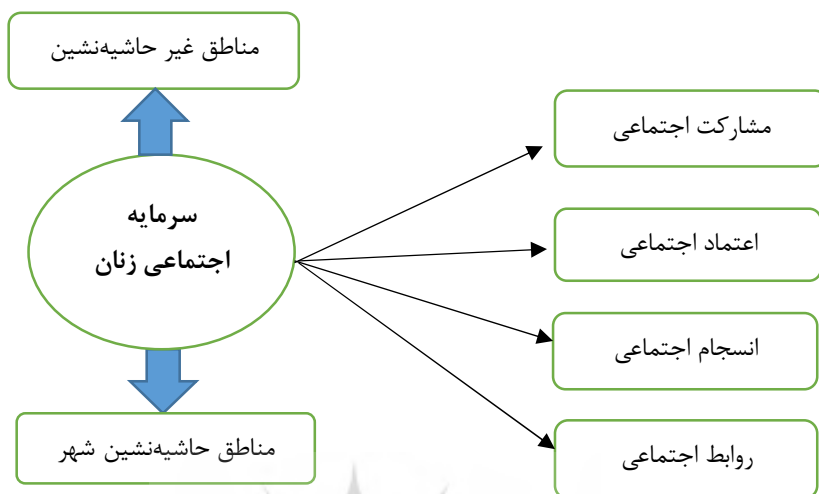
ساختارهای آن، غیر داوطلبانه بوده است. در این انجمن‌ها، اهداف متغیر، ولی عضویت ثابت می‌باشد. ۲- انجمن‌های سومین: شامل بنگاه‌ها و مؤسسات انتفاعی و احزاب سیاسی است. اهداف در این انجمن‌ها، ثابت، ولی عضویت، متغیر است. ۳- انجمن‌های دومین: اهداف در این انجمن‌ها نه پخش شده و غیر مشخص است (انجمن‌های اولیه) و نه خاص (انجمن‌های سومین). اعضا دارای علائق مشترک و پایدار بوده و برنامه‌ها از طریق تعامل اعضا با یکدیگر مشخص می‌شود و ترکیب و نحوه عضوگیری بر اساس اصول شهروندی است. از نظر اوفه و فوش، تنها انجمن‌های دومین، نشان‌دهنده و مولد کیفیت جمعی سرمایه اجتماعی است (ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). آنها معتقدند که عامل اندازه شهر، تأثیری بر سرمایه اجتماعی ندارد، بلکه تفاوت در تعداد و نوع انجمن‌های موجود در این فضاها می‌باشد. به نظر او، عضویت در انجمن‌های سومین با اعضای فراوان و روابط کمتر رو در رو در شهرهای بزرگ دیده می‌شود و در مناطق حومه‌ای و حاشیه‌نشین به واسطه تسلط فرهنگ روستایی، بیشتر انجمن‌هایی از نوع ابتدایی وجود دارد. تنها در شهرهای کوچک و اجتماعات محلی که بیشتر تعاملات چهره به چهره بوده، انجمن‌ها از نوع دومین می‌باشد (همان: ۲۴۳).

در کنار تمایز میان ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی، ولکاک و نارایان، چهار دیدگاه رایج درباره سرمایه اجتماعی مطرح می‌کنند: اجتماع‌گرایی، شبکه‌ای، نهادی و همبازی یا هم‌افزایی. در این میان، دیدگاه شبکه‌ای، به‌ویژه در زمینه کاربرد سرمایه اجتماعی برای محلات محروم و کم‌درآمد، مهم است؛ زیرا تأکید آن بر هر دو روابط درون و بیرون از اجتماع محلی است. از دیدگاه شبکه‌ای، پیوندهای درون اجتماع محلی، همان سرمایه اجتماعی پیوندزنده یا درون‌گروهی است (سرمایه اجتماعی که در محله وجود دارد) و پیوندهای فرامحلی، همان سرمایه اجتماعی پل‌زننده یا بین‌گروهی است (سرمایه اجتماعی که بین محله و دیگر محلات یا سایر سازمان‌ها و نهادها وجود دارد).

اگر سرمایه اجتماعی را به منزله شبکه‌ای از روابط اعتمادآميز در نظر بگیریم، سرمایه اجتماعی پیوندزنده، شبکه‌ای از روابط مبتنی بر اعتماد در میان ساکنان محله است و سرمایه اجتماعی پل‌زننده بیانگر روابط اعتمادآميز بین اعضای محله و سازمان‌ها و نهادهای بیرون از محله است. «دیدگاه شبکه‌ای و ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه

اجتماعی، ابزار مفهومی مناسبی در اختیار ما قرار می‌دهد که بر اساس آن می‌توان به تبیین تفاوت‌ها در سرمایه اجتماعی ساکنان محلات محروم و غیر محروم پرداخت» (ر.ک: امیر کافی، ۱۳۹۹).

بنابراین در مجموع نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی درباره تفاوت مناطق از نظر وجود سرمایه اجتماعی به مطالعات گوناگونی پرداخته‌اند و با وجود نوع مناطق، علت‌های مختلفی را برای آن ذکر کرده‌اند. فوکویاما در کارهای خود درباره سرمایه اجتماعی به تفاوت مناطق مختلف از نظر سرمایه اجتماعی پرداخته و معتقد است که مناطق حومه‌ای و حاشیه‌ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش را میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند که در مناطق حاشیه‌نشین، بیشتر است. پاتنام نیز در بررسی‌های خود به تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی پرداخته و با ذکر دلایل معتقد است که مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ اعتماد، مشارکت و هنجار نسبت به مناطق غیر حاشیه‌ای، تفاوت اساسی دارند. اوفه و فوش نیز در مقالات خود بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی انسانی به محله‌ها و شهرهای مختلف و تفاوت سرمایه اجتماعی در این مناطق پرداخته‌اند. آنها به تفاوت میان انجمن‌ها اشاره کردند و انجمن‌هایی از نوع دومین و عضویت در آنها را نشانه و مولد سرمایه اجتماعی می‌دانند. آنها ضمن استدلال‌هایی معتقدند که در مناطق حاشیه‌نشین، بیشتر انجمن‌های از نوع اولیه وجود داشته، در شهرهای بزرگ نیز انجمن‌هایی از نوع سومین وجود دارد. تنها در شهرهای متوسط و کوچک، انجمن‌های دومین وجود دارد. بنابراین نتیجه‌گیری می‌کنند که مناطق حاشیه‌ای و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای متوسط و کوچک، سرمایه اجتماعی کمتری دارند. در این پژوهش، فرضیه‌های ارائه‌شده بر اساس ترکیبی از نظریه‌های پاتنام، فوکویاما، اوفه و فوش ارائه شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری انجام پذیرفت. این تحقیق از حیث روش، پیمایشی از نوع زمینه‌یابی و از نظر هدف، کاربردی بوده است. جامعه آماری را ۱۴۳۷۶۴ نفر از زنان ساوری بالای ۱۵ سال تشکیل داده‌اند. بر اساس جدول نمونه‌گیری استاندارد کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. برای دسترسی به نمونه در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. از مناطق حاشیه‌نشین شهر ساری، کوی شهید چمران، محله غفاری و محله آزادی به صورت تصادف انتخاب شدند و از مناطق غیر حاشیه‌نشین، خیابان فرهنگ، منطقه جوادیه و منطقه بعثت انتخاب شد. ابزار گردآوری داده مورد نظر در پژوهش، پرسشنامه سرمایه اجتماعی بوده است که به شرح زیر، تعریف نظری و عملیاتی شد: «سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده، موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. یعنی فوکویاما، سرمایه اجتماعی را به عنوان

توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

سرمایه اجتماعی برای سنجش در این تحقیق، به چهار بعد مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی تقسیم شده که شامل ۳۲ گویه در چهار بعد اصلی است که ذیل هر یک از ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی، تعریف نظری و عملیاتی شده است.

۱- مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان‌یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیر دولتی است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۲). برای سنجش مشارکت اجتماعی از هشت گویه استفاده شد: کمک به یکدیگر در امور شهری، شرکت در حل معضلات سطح شهر، شرکت در کارهای جمعی و گروهی در سطح محله، شرکت در انجمن‌ها و NGOها، شرکت در برپایی مراسم مذهبی در منزل مردم، کمک کردن به افراد نیازمند برای ازدواج و یا تهیه جهیزیه، شرکت در مراسم جشن و سرور و مولودی و شرکت در انجمن‌های خیریه.

۲- اعتماد اجتماعی: اعتماد، لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت- برابری و امنیت اجتماعی نیز زاینده آنهاست. آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند. هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی، بیشتر و آسیب‌های اجتماعی، کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱). برای سنجش اعتماد اجتماعی از ده گویه استفاده شد: شناخت و ارتباط با تعداد زیادی از همسایگان، ارتباط خوب با اقوام و بستگان، شرکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی اقوام و دوستان، اعتماد به مدیران و مسئولان شهرداری، اعتماد به اعضای شورای اسلامی شهر، اعتماد

مردم این شهر به همدیگر، بیان عیب و نقص کالا هنگام فروش اجناس و کالا توسط مردم، مواظب این امر بودن که دیگران حق تو را ضایع نکنند، پارتنی بازی در کار مسئولان دولتی و رسیدگی مسئولان به پولدارها.

۳- انسجام اجتماعی: جاناتان ترنر به نقل از دورکیم می گوید که انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شود؛ جایی که افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند؛ جایی که کنشها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جایی که نابرابریها، قانونی تصور می شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۷). برای سنجش انسجام اجتماعی از هشت گویه استفاده شد: اهمیت دادن مردم به نظر همدیگر، در قید قول و قرارهای خود بودن، چشم دیدن همدیگر را نداشتن، کمک به هم در گرفتاریها، مشکلات همدیگر را زیاد کردن، احترام بزرگ تر و کوچکتر را نگه داشتن، به فکر در و همسایه بودن، خوبی های همدیگر را گفتن.

۴- روابط اجتماعی: مجموعه ای درهم تنیده از روابط و تعاملات اجتماعی است که افراد را در یک زنجیره ارتباطی (اجتماعی) با افراد دیگر قرار می دهد. مجموعه ای از شبکه های روابط اجتماعی، مجموعه روابط و هنجارهایی است که افراد را مجاز می سازد تا اهدافشان را تعقیب نمایند (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). برای سنجش روابط اجتماعی از شش گویه استفاده شده است: برقراری ارتباط با دیگران در جمع، رفت و آمد خانوادگی با یکدیگر، برخورد دوستانه با همسایگان در سطح محله، برقراری ارتباط با محیط فیزیکی محل سکونت، رفتن به مکان تفریحی با یکدیگر، برخورد دوستانه با دیگران در سطح شهر.

روایی پرسشنامه ها با کسب نظر کارشناسان حاصل و پایایی حاصل از آلفای کرونباخ نیز برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۸۴ بوده و برای هر یک از مؤلفه های مشارکت اجتماعی برابر با ۰/۷۴، اعتماد اجتماعی ۰/۹۱، انسجام اجتماعی ۰/۸۳ و روابط اجتماعی ۰/۸۷ بوده است.

پس از جمع آوری داده ها به منظور آزمون فرضیه های تحقیق با توجه به اینکه هدف، مقایسه دو گروه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین ساری بود و دیگر اینکه داده ها دارای توزیع نرمال بودند، از آزمون تی دونمونه مستقل استفاده شد. برای استفاده از داده های جدول با توجه به نتایج آزمون لون (Leven) که $\text{sig} = 114$ و بزرگ تر از پنج درصد بود، از ردیف اول جدول -فرض یکسانی واریانسها- استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بعد از تکمیل کردن پرسشنامه داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت جامعه آماری شامل ۳۸۴ نمونه بود که شامل ۱۶۴ نفر از مناطق حاشیه و ۲۲۰ نفر از مناطق غیر حاشیه می‌باشد. جداول در قالب جداول توصیفی و استنباطی آمده است که در بخشی توصیفی متغیرهای اصلی و زمینه‌ای آمده است و در بخش استنباطی فرضیه‌های تحقیق با آزمون‌های مربوط به هر کدام آمده است:

جدول ۱- وضعیت متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان

متغیر	گزینه‌ها	حاشیه‌نشین		غیر حاشیه‌نشین	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
وضعیت تأهل	متأهل	۷۵	۴۵/۷	۱۱۶	۵۲/۷
	مجرد	۸۹	۵۴/۳	۱۰۴	۴۷/۳
سن	کمتر از ۲۰ سال	۷	۴/۳	۶	۲/۷
	۲۰-۳۰ ساله	۱۱۶	۷۰/۷	۱۴۷	۶۶/۸
	۲۱-۴۰ ساله	۲۳	۱۴	۳۸	۱۷/۳
	۴۱-۵۰ ساله	۱۳	۸	۲۰	۹/۱
	۵۰ به بالا	۵	۳	۹	۴/۱
تحصیلات	زیر دیپلم	۳۴	۲۰/۸	۱۶	۷/۳
	دیپلم	۹۷	۵۹/۱	۸	۳/۶
	کارشناسی	۳۱	۱۸/۹	۱۱۶	۵۲/۷
	کارشناسی ارشد	۲	۱/۲	۷۴	۳۳/۶
	دکتری	۰	۰	۶	۲/۸
درآمد	زیر ۲ م تومان	۴۰	۲۴	۰	۰
	۲-۵ م تومان	۱۲۰	۷۳/۲	۱۹	۸/۶
	۵/۱-۹ م تومان	۴	۲/۴	۵۲	۲۳/۷
	۹/۱-۱۳ م تومان	۰	۰	۵۴	۲۴/۵
	۱۳/۱-۱۷ م تومان	۰	۰	۷۴	۳۳/۷

۹/۵	۲۱	۰	۰	۱۷ م تومان به بالا	مدت اقامت در شهر یا حاشیه
۶/۸	۱۵	۵۱/۸	۸۵	زیر ۳ سال	
۹	۲۰	۲۶/۸	۴۴	۳-۸ سال	
۱۷/۲	۳۸	۱۲/۲	۲۰	۸-۱۲ سال	
۶۷	۱۴۸	۹/۲	۱۵	۱۲ سال به بالا	

جدول ۲- آماره‌های مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه و غیر حاشیه شهر ساری

انحراف معیار	میانگین	کم		متوسط		زیاد		تعداد	منطقه	متغیر	ردیف
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی				
۲/۳۴۵	۱۶/۳۷	۱۸/۹	۳۱	۷۲/۶	۱۱۹	۵/۸	۱۴	۱۶۴	حاشیه	مشارکت	۱
۳/۰۴۳	۲۳/۳۶	۱۸/۶	۴۱	۶۴/۱	۱۴۱	۱۷/۳	۳۸	۲۲۰	غ.حاشیه		
۲/۵۲۹	۱۹/۲۷	۲۶/۸	۴۴	۵۷/۳	۹۴	۱۵/۹	۲۶	۱۶۴	حاشیه	اعتماد	۲
۲/۷۸۱	۲۷/۲۴	۱۵/۹	۳۵	۶۳/۲	۱۳۹	۲۰/۹	۴۶	۲۲۰	غ.حاشیه		
۳/۳۶۲	۲۴/۴۶	۳۰/۵	۵۰	۴۷	۷۷	۲۲/۵	۳۷	۱۶۴	حاشیه	انسجام	۳
۲/۷۱۹	۲۷/۳۸	۱۳/۲	۲۹	۶۷/۳	۱۴۸	۱۹/۵	۴۳	۲۲۰	غ.حاشیه		
۳/۷۱۵	۱۴/۷۵	۲۹/۹	۴۹	۵۱/۸	۸۵	۱۸/۳	۳۰	۱۶۴	حاشیه	روابط	۴
۲/۷۷۳	۲۱/۶۳	۲۵/۹	۵۷	۵۸/۲	۱۲۸	۱۵/۹	۳۵	۲۲۰	غ.حاشیه		
۷/۴۲۵	۷۴/۸۷	۲۹/۳	۴۸	۶۱/۶	۱۰۱	۹/۱	۱۵	۱۶۴	حاشیه	سرمایه	۵
۵/۹۳۵	۹۹/۶۳	۱۷/۳	۳۸	۷۰	۱۵۴	۱۲/۷	۲۸	۲۲۰	غ.حاشیه		

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی (۹۹/۶۳)، مشارکت اجتماعی (۲۳/۳۶)، اعتماد اجتماعی (۲۷/۲۴)، انسجام اجتماعی (۲۷/۳۸) و روابط اجتماعی (۲۱/۶۳) در میان شهروندان مناطق غیر حاشیه‌نشین، بیشتر از میانگین سرمایه اجتماعی (۷۴/۸۷)، مشارکت اجتماعی (۱۶/۳۷)، اعتماد اجتماعی (۱۹/۲۷)، انسجام اجتماعی (۲۴/۴۶) و روابط اجتماعی (۱۴/۷۵) در میان شهروندان مناطق حاشیه‌نشین شهر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که نوع سکونت حاشیه‌نشین، غیر حاشیه‌نشین بر میزان سرمایه اجتماعی افراد مؤثر است.

پاتنام در تئوری خود، حومه‌نشینی یا حاشیه‌نشینی را یکی از عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. وی در بررسی‌های خود به تفاوت مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سرمایه اجتماعی پرداخته و با ذکر دلایل معتقد است که مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ اعتماد، مشارکت و هنجار نسبت به مناطق غیر حاشیه‌ای، تفاوت اساسی دارد. همچنین کلمن در بحث خود از سرمایه اجتماعی، مهاجرت و نقل مکان خانواده‌ها را یکی از عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. فوکویاما در کارهای خود درباره سرمایه اجتماعی، به تفاوت مناطق مختلف از نظر سرمایه اجتماعی پرداخته و معتقد است که مناطق حومه‌ای و حاشیه‌ای از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند و نمود این کاهش را میزان مشکلات و آسیب‌های اجتماعی می‌داند که در مناطق حاشیه‌نشین، بیشتر است. آفه و فوش نیز زندگی در حومه یا در شهر را عامل تأثیرگذار بر میزان سرمایه اجتماعی می‌دانند. آنها نیز در مقالات خود بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی انسانی به محله‌ها و شهرهای مختلف و تفاوت سرمایه اجتماعی در این مناطق پرداخته‌اند و نتیجه‌گیری کردند که مناطق حاشیه‌ای و شهرهای بزرگ نسبت به شهرهای متوسط و کوچک، سرمایه اجتماعی کمتری دارند.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون‌های آماری فرضیه‌های پژوهش

ردیف	متغیرها	تعداد نمونه	مقدار (t)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری	نتیجه فرضیه
فرضیه اصلی	سرمایه اجتماعی	۳۸۴	۳۵/۱۴	۳۸۲	./۰۰۰	تایید
فرضیه یک	مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۲۵/۴۱	۳۸۲	./۰۰۰	تایید
فرضیه دوم	اعتماد اجتماعی	۳۸۴	۲۹/۲۵	۳۸۲	./۰۰۰	تایید
فرضیه سوم	انسجام اجتماعی	۳۸۴	۹/۲۹	۳۸۲	./۰۰۰	تایید
فرضیه چهارم	روابط اجتماعی	۳۸۴	۱۹/۹۴	۳۸۲	./۰۰۰	تایید

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون‌های آماری گروه‌های مستقل فرضیه‌های پژوهش

آماره گروهی					
انحراف از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مناطق	
۰/۴۰۰۱۷	۵/۹۳۵۴۱	۹۹/۶۳	۲۲۰	غیر حاشیه‌نشین	سرمایه اجتماعی
۰/۵۷۹۸۶	۷/۴۲۵۸۳	۷۴/۸۷	۱۶۴	حاشیه‌نشین	اجتماعی
۰/۲۰۵۲۲	۳/۰۴۳۹۵	۲۳/۳۶	۲۲۰	غیر حاشیه‌نشین	مشارکت اجتماعی
۰/۱۸۳۱۴	۲/۳۴۵۲۹	۱۶/۳۷	۱۶۴	حاشیه‌نشین	اجتماعی
۰/۱۸۷۵۲	۲/۷۸۱۴۱	۲۷/۲۴	۲۲۰	غیر حاشیه‌نشین	اعتماد اجتماعی
۰/۱۹۷۴۹	۲/۵۲۹۱۶	۱۹/۲۷	۱۶۴	حاشیه‌نشین	اجتماعی
۰/۱۸۳۳۸	۲/۷۱۹۹۲	۲۷/۳۸	۲۲۰	غیر حاشیه‌نشین	انسجام اجتماعی
۰/۲۵۴۷۵	۳/۲۶۲۴۰	۲۴/۴۶	۱۶۴	حاشیه‌نشین	
۰/۱۸۷۰۱	۲/۷۷۳۷۴	۲۱/۶۳	۲۲۰	غیر حاشیه‌نشین	روابط اجتماعی
۰/۲۹۰۱۷	۳/۷۱۵۹۵	۱۴/۷۵	۱۶۴	حاشیه‌نشین	

با توجه به جدول بالا، چون آماره t محاسبه‌شده (آماره t محاسبه‌شده = ۲۵/۴۱ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ برای فرضیه اول، آماره t محاسبه‌شده = ۲۹/۲۵ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ برای فرضیه دوم، آماره t محاسبه‌شده = ۹/۲۹ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ برای فرضیه سوم، (آماره t محاسبه‌شده = ۱۹/۹۴ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ برای فرضیه چهارم)، در سطح اطمینان ۹۵٪ ($\alpha = ۰/۰۵$) و درجه آزادی $df = ۳۸۲ - ۲ = ۳۸۰$ از جدول بحرانی ($t = ۱/۶۴$) بزرگ‌تر است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد و فرضیه تحقیق به‌شدت به کمک داده‌ها تأیید می‌شود. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می‌گیریم که بین دیدگاه زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری درباره وضعیت مؤلفه‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی هر دو گروه زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین معتقدند که بین وضعیت و میزان سطوح مؤلفه‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی در این مناطق، تفاوت معناداری وجود دارد.

همچنین در مجموع با توجه به جدول بالا، چون آماره t محاسبه‌شده (آماره t

محاسبه شده = $24/963$ و $sig = 0/000$ برای فرضیه اصلی)، در سطح اطمینان ۹۵٪ ($\alpha = 0/05$) و درجه آزادی $df = 384 - 2 = 382$ از جدول بحرانی ($t = 1/64$) بزرگ تر است، بنابراین فرضیه صفر (H_0) رد و فرضیه تحقیق به شدت به کمک داده‌ها تأیید می‌شود. از این رو با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه می‌گیریم که بین دیدگاه زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری درباره وضعیت و میزان سرمایه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در میان زنان مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر ساری انجام شده است. نتیجه و یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که بیش از ۸۰ درصد از زنان حاشیه‌نشین، تحصیلات دانشگاهی ندارند. بیش از ۹۷ درصد از خانواده‌های حاشیه‌نشین، درآمد زیر پنج میلیون تومان در ماه دارند؛ در حالی که ۹ درصد غیر حاشیه‌نشین، درآمد زیر پنج میلیون دارند. مدت اقامت ۷۸ درصد از حاشیه‌نشینان، کمتر از هشت سال است. همچنین ۳۰ درصد از زنان حاشیه‌نشین، سرمایه اجتماعی کمی دارند.

تحصیلات پایین در کنار درآمد پایین و مدت اقامت کم در حاشیه‌نشینان شهر ساری بر اساس نظریه روس (۲۰۱۱) خود پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی پایین این جمعیت است. بر اساس نظریه وی، وقتی منابع کمتری در دسترس باشد، افراد احساس تهدید بیشتری از جانب همسایگان و دیگران دارند و منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شهروندان حاشیه‌نشینان می‌شود. در کنار این موضوع به علت کمبود امکانات در حاشیه، افراد احساس رهاشدگی بیشتری دارند و کاهش انگیزه آنها برای مشارکت در شبکه‌های اجتماعی را به همراه دارد. در کنار این باید دقت کرد که فشارهای اقتصادی و کمبود امکانات و عدم تعلق افراد به محیط زندگی، منجر به بالا رفتن انواع جرم‌ها در حاشیه می‌شود و فرسایش سرمایه اجتماعی را به همراه دارد.

در رابطه با میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی) در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین با استفاده از آزمون t -test، تفاوت معنی‌داری به دست آمد و مشخص شد که میزان

سرمایه اجتماعی و ابعاد چهارگانه آن در مناطق غیر حاشیه‌نشین، بیشتر از حاشیه‌نشین است.

می‌توان نتیجه گرفت که نوع سکونت حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین بر میزان سرمایه اجتماعی افراد مؤثر است. این نتایج با نتایج کار گرجی و همکاران (۱۴۰۱)، امیرکافی (۱۳۹۹) و امینی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد. بر اساس تئوری پاتنام، حومه‌نشینی یا حاشیه‌نشینی، یکی از عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه اجتماعی است. همچنین کلمن در بحث خود از سرمایه اجتماعی، مهاجرت و نقل مکان خانواده‌ها را یکی از عوامل مؤثر بر کاهش سرمایه اجتماعی می‌داند. اوفه و فوش نیز زندگی در حومه یا شهر را عامل تأثیرگذار بر میزان سرمایه اجتماعی می‌دانند. با توجه به نظریه پاتنام، حاشیه‌نشینی، فرصت ارتباط با دیگران را از افراد می‌گیرد؛ چون برای انجام کارهای روزمره و ارتباط با دوستان و اقوام لازم است تا فرد، وقت بیشتری را تخصیص دهد. این وضعیت در تمامی شاخص‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد.

در رابطه با میزان انسجام اجتماعی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از آزمون t-test استفاده شد. نتایج بیانگر آن است که میزان انسجام اجتماعی در منطقه غیر حاشیه‌نشین، بیشتر است. بر اساس تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، عواملی چون کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تقیدهای خویشاوندی که به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شوند، از پیامدهای صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت روزافزون است. افراد حاشیه، اکثریت کمتر از هشت سال سابقه حضور در حاشیه داشتند، هنوز امکان شکل‌گیری ارتباطات جدید را پیدا نکردند و از طرف دیگر در مناطق حاشیه‌نشین به دلیل اینکه مهاجران از مناطق مختلف می‌آیند و دارای فرهنگ‌های متفاوت هستند و پیوندهای خویشاوندی و خانوادگی آنان از محیط سنتی روستا قطع شده است، انسجام و همبستگی در میان ساکنان قاعدتاً در سطح پایین‌تر است. همچنین به دلیل ناشناس بودن این افراد نسبت به یکدیگر معمولاً کنترل اجتماعی غیر رسمی در این مناطق در سطح پایین‌تر می‌باشد. با توجه به نظریه روس، چون آنها از امکانات کافی برخوردار نیستند و با مقایسه خود با غیر حاشیه‌نشین، احساس بی‌قدرتی و رهاشدگی دارند.

در رابطه با میزان اعتماد در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از آزمون t-test استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان دو منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از لحاظ سطح اعتماد وجود دارد و سطح اعتماد غیر حاشیه‌نشینان از حاشیه‌نشینان، بیشتر است. تحقیقات ناطق‌پور و فیروزآبادی (۱۳۸۴)، تأییدکننده این نتایج است. برای تبیین این نتایج می‌توان به تئوری فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۱ استناد کرد که بی‌اعتمادی را یکی از ویژگی‌های حاشیه‌نشینان می‌داند؛ بدین معنا که حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان از نظر سطح اعتماد، تفاوت دارند و به دلیل بی‌توجهی مسئولان سازمان‌های دولتی به وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان و بهبود شرایط محلات مسکونی مناطق حاشیه‌نشین، نوعی بی‌اعتمادی نسبت به سازمان‌های دولتی در حاشیه‌نشینان شکل می‌گیرد. همچنین وجود نابرابری‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه درآمدها، افراد را نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی بی‌اعتماد می‌گرداند. در کنار گسترش جرم و جنایت و عدم همکاری افراد در برخورد با این پدیده‌ها، اعتماد عمومی به افراد غریبه و همسایگان کمتر می‌شود.

در رابطه با میزان مشارکت و روابط اجتماعی در دو منطقه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از آزمون t-test استفاده شد. نتایج بیانگر آن است که میان نوع سکونت و میزان مشارکت رسمی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر اساس تئوری سرمایه اجتماعی چلبی ملاحظه می‌گردد که موقعیت اجتماعی افراد در نوع روابط اجتماعی آنان تأثیرگذار است و افراد طبقات پایین، روابط اجتماعی کمتری دارند. بر اساس نظریه پاتنام، حاشیه‌نشینی باعث کاهش انگیزه مشارکت و شبکه‌های اجتماعی می‌شود و ارتباط طبقاتی و نژادی را محدود می‌کند. همچنین بر اساس نظریه‌های فوکویاما، اوفه و فوش، حاشیه درگیر جرم‌های مختلف است که همچون موانعی در مشارکت‌جویی و ارتباطات افراد عمل می‌کنند و شکل‌گیری انجمن‌های دومین را دچار چالش زیاد می‌کند. شکل‌گیری این انجمن‌های دومین، گسترش‌دهنده و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی است که حاشیه‌نشینان به دلایل بالا از آن محروم می‌مانند.

در نتیجه می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی در زنان حاشیه‌نشین شهر ساری، تفاوت معناداری با زنان غیر حاشیه دارد که می‌تواند ناشی از زمینه‌های اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی و از طرف دیگر، نگاه مقطعی تصمیم‌گیران شهری باشد. این وضعیت با توجه به نظریه‌های فوکویاما و تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۹) می‌تواند توسعه این مناطق را دچار چالش کند و حاشیه‌نشینی آنها را تعمیق ببخشد و توانمندسازی زنان حاشیه را با مشکل مواجه کند. فرسایش سرمایه اجتماعی این مناطق می‌تواند در مواقع حساس، انعطاف‌پذیری آنها را در مدیریت ریسک و بحران‌های مختلف تحت تأثیر قرار دهد.

پیشنهادهای پژوهش

۱. ضروری است برای رفع برخی از معضلات اقتصادی، اجتماعی جامعه امروز ما بر تعداد سازمان‌های داوطلبانه مردمی که به صورت مستقل فعالیت می‌کنند افزوده شود؛ سازمان‌هایی که مورد وثوق و اعتماد مردم و کمتر جایگاه بازی‌های سیاسی باشند که بتوانند حضور حاشیه‌نشینان را در تصمیم‌گیرها تقویت کنند.
۲. با توجه به دیدگاه اوفه درباره اعتماد، تنها زمانی می‌توان کیفیت نظم اجتماعی و کارایی استفاده از ابزار قدرت و دانش را به شدت افزایش داد که بتوان از اعتماد به عنوان سرچشمه همکاری اجتماعی صیانت نمود. از آنجا که با توجه به نتایج تحقیق حاضر، سطح اعتماد در میان حاشیه‌نشینان نسبت به غیر حاشیه‌نشینان کمتر است، نهادها و سازمان‌های دولتی می‌باید با بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی و زیستی حاشیه‌نشینان به افزایش سطح اعتماد در میان آنان کمک نمایند.
۳. از عواقب بی‌اعتمادی افراد به نهادها و سازمان‌های دولتی می‌توان به بروز خشونت‌ها و آشوب‌های خیابانی اشاره نمود. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که مسئولان سازمان‌های دولتی با ایجاد مراکز فرهنگی و تفریحی و ایجاد امکانات رفاهی در مناطق حاشیه‌نشین از بروز نارضایتی‌های اجتماعی در این مناطق جلوگیری نمایند؛ به‌ویژه اینکه جوانان در این مراکز جذب گردند.
۴. ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم برای پر کردن اوقات فراغت ساکنان مناطق حاشیه‌نشین که این قشر احساس رهاشدگی کمتری داشته باشند.

۵. تقویت سرمایه اجتماعی از طریق نهادهای فرهنگی مورد اعتماد که بتوانند آموزه‌هایی از قبیل صداقت، اعتماد، امانت‌داری، شور و هم‌فکری، مساعدت دیگران، مشارکت و... آموزش دهند که از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است.



منابع

- احسانی‌فر، محمد و علی گرجی کرسامی (۱۳۹۸) «تأثیر حمایت سازمانی بر عملکرد نوآورانه با نقش میانجی سرمایه اجتماعی کارکنان معاونت آمااد و پشتیبانی»، فصلنامه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، تابستان، صص ۱۰۹-۱۳۶.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشرنی.
- اکبری، امین (۱۳۸۳) نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی- اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۹۹) «بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در محلات محروم (مطالعه موردی: شهر کرمان)»، دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۵۰.
- امینی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۹) «بررسی تأثیر توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین در افزایش سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)»، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره دهم، شماره ۴۰، آذر، صص ۵۹۵-۶۱۰.
- باقری، ربابه (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر وقوع جرم در بین افراد حاشیه‌نشین شهر تبریز»، اولین همایش ملی مهاجرت، نظم و امنیت پایدار و نقش آن در توسعه ایران اسلامی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴) جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، در: پژوهش و سیاست‌گذاری (سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه)، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- تاج‌بخش، مرتضی (۱۳۹۲) «بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره ۹، زمستان، صص ۹۷-۱۲۴.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور.
- تولایی، نوین و مریم شریفیان ثانی (۱۳۸۴) «نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی برای رفاه اجتماعات محلی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- فعلی، جواد و همکاران (۱۳۹۷) «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی»، پژوهش نظم و امنیت انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۴۳)، پاییز، صص ۲۹-۵۶.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴) پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، حکایت قلم نوین.

قدوسی، حامد (۱۳۸۴) «رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی»، مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

گرچی کرسامی، علی (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی در بین شهروندان ساری (با تاکید بر محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر ساری)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور تهران غرب.

محمودی، امیر و زهرا نیکخواه (۱۳۹۱) «بررسی مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شیراز»، چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد. ملاحظه‌کنی، حسین (۱۳۸۱) «بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و نوع دین‌داری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

ناطق پور، م و فیروزآبادی (۱۳۸۴) «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۵۱-۹۵.

نقدی، اسدالله و صادق زارع (۱۳۹۱) «فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز)»، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران، سازمان مدیریت بحران تهران.

ولکاک، مایکل و دیپا نارایان (۱۳۸۴) «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه»، در پژوهش و سیاست‌گذاری (سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه)، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.

Ahmad shah. A, Khan. A, Ullah. A, Alotaibi. B (2024) The role of social capital as a key player in disaster risk comprehension and dissemination: lived experience of rural communities in Pakista, Natural Hazards Aims and scope Submit manuscript A, Volume 120.

Danesh , Parvaneh, nazook tabar, Hossin nazoktabar ,Gorji karsami, Ali (2016) The survey of the social capital status in Sari citizens, The Social Science, Medwell Journals, 11 (27), 2016 The Social Science.

Jun. H, (2022) The reciprocal relationship between social capital and community development in a Korean Chinese enclave: the case of Daerim 2-dong in Seoul, International Journal of Urban Sciences Volume 27, Issue 3.

Laishram. Ch, Haokip. Kh, (2023) Implications of Social Capital on Life satisfaction in a Stratified Society: Gendering the Bonding, Bridging, and Linking framework using representative samples of India, Quality & Quantity Aims and scope Submit manuscript, Volume 57.

Perez. G, Duffy. R (2023) Social Mobility and Vocational Outcomes: A

Psychology of Working Perspective, Journal of Career Assessment, Volume 31, Issue 4.

Putnam. R (2000) Bowling alone: American's Declining social capital. Journal of democracy, Vol 6.

Uekusa, SH (2020) The paradox of social capital: A case of immigrants, refugees and linguistic minorities in the Canterbury and Tohoku disasters, International Journal of Disaster Risk Reduction, Volume 48, September 2020, 101625.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی